

# بررسی شیوه‌های اقناع در سیره سیاسی حضرت علی علیه السلام زمان خلافت

فاطمه کاربخش<sup>۱</sup>

## چکیده

"اقناع" (متقاعد سازی) فرایند ارتباطی است که با استفاده از آن می‌توان اراده و نظرات خود را بدون زور و تطمیع به مخاطب القا کرد لذا به نوعی قدرت نرم و پایگاهی برای نفوذ اجتماعی محسوب می‌شود. در کلام و سیره سیاسی حضرت امیر المومنان علی (علیه السلام) هم به وفور با توجه به هدف اصلی ایشان ارتقای دینی و هدایت جامعه؛ اقناع صورت گرفته است. حضرت علی (علیه السلام) از عناصر، ابزارها و فنونی برای متقاعد سازی بهره می‌بردند که بیشترین تاثیر را بر مخاطب داشته باشد در این راستا سعی حضرت بیشتر بر آن بود. از شیوه‌ی مستقیم و چهره به چهره برای اقناع استفاده کنند و از عناصری که برای این امر بکار می‌گرفتند خدامحوری، مردمداری و دشمن شناسی بود آن هم با به کارگیری شیوه و فنون اقناع، که در این نوشتار آمده است. لذا تامل و بررسی در اینباره از آنجایی که ایشان تنها امام شیعیان بودند که به خلافت رسیدند و از طرفی هم در زمان خلافتشان فتنه‌های گوناگونی شکل گرفت؛ این سیره می‌تواند در زمان حاضر برای ما و خصوصا سردمداران جامعه راهگشا باشد. اقناع در سیره سیاسی امیر بیان در راستای اهداف اسلامی و برپایه آن پی ریزی شده است، برخلاف کلام اقناعی دولتمردان و سیاستمداران شرق و غرب؛ لذا بری از هرگونه دروغ، نفاق، اغراق و مردم فریبی است.

**واژگان کلیدی:** اقناع افکارعمومی، سیره سیاسی، حضرت علی (علیه السلام).



## مقدمه

ارتباط جز جدایی ناپذیر جوامع انسانی و جزو نیازهای اصلی بشر می‌باشد هر چه این ارتباط موفق‌تر اصولی‌تر و با برنامه باشد فرد و همچنین مخاطب او رضایت بیشتری دارند. لذا در اینجا چگونگی این تاثیر گذاری و بتبع متقاعد سازی بر مخاطب و افکار عمومی نمود پیدا می‌کند.

تمام تلاش دولت‌ها و سیاستمداران بر این اساس است که بتوانند با کمترین هزینه و امکانات بر افکار عمومی سوار شوند تا پایه‌های قدرت و حکومت را محکم‌تر کنند لذا در اقناع سیاسی بر این جوانب بیشتر تکیه می‌شود.

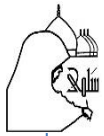
از اینرو آشنایی با اقناع افکار عمومی نقش بسزایی در این امر دارد خصوصا در جوامع امروز که حتی دولت‌های غاصب و ستمگر افکار پلید خود را با نقاب صلح، آسایش و دوری از جنگ پنهان می‌کنند و تلاش خود را می‌کنند با شعارهای دروغین افکار عمومی را باخود همراه سازند تا از این طریق بسهولت بر چپاول گری خود ادامه دهند.

"کارل هاولند و همکارانش" را نخستین کسانی میدانند که در سال ۱۹۴۹ میلادی به صورت منظم و براساس قواعد پژوهش علمی به مطالعه در زمینه ی متقاعد سازی پرداختند، پس آن نیز دانشمندان دیگری از جمله "ریچارد پتی و جان کاسیوپو" از زوایای دیگری به کاوش و مطالعه در زمینه ی مجاب سازی و تغییر نگرش اهتمام ورزیدند. (مقاله ی مبانی نظری و عملی اقناع الیاسی ص ۲)

لکن با دقت در منابع مهم اسلامی و سیره ی معصومین ع می توان از صدر اسلام به شیوه های از اقناع و مجاب سازی مخاطب رسید هرچند که با این عنوان "اقناع" نیست.

در این مقاله تلاش بر آن است تا اطلاعاتی از اقیانوس وسیع کلام و سیره ی سیاسی حضرت علی ع در جهت اقناع افکار عمومی در اختیار علاقمندان قرار گیرد. هرچند که نیاز به حجت نیست بررسی و تشریح تمامی جوانب موضوع در این کوتاه نمی‌گنجد.





انتخاب سیره سیاسی حضرت نیز از آنرو می باشد که پس از رسیدن حضرت به مسند خلافت و تکیه بر قدرت ادبیات و کلام حضرت، در جامعه حساس تر و نافذتر می شود و ایشان درگیر جنگهای مهم داخلی (جمل، صفین و نهروان) با عوام و خواص جامعه میشوند که هر کدام با توجه به شرایط؛ ادبیات و شیوه‌ی مجاب سازی مربوط به خود را می طلبد، از طرفی نیز در دنیای کنونی اقناع بیشتر از سمت قدرتمندان و سیاستمداران، جهت همراهی افکار عمومی صورت می‌گیرد لذا مطالعه و بررسی در این زمینه حائز اهمیت است.

## ۱- مفهوم‌شناسی

### ۱-۱ اقناع

اقناع در لغت از ریشه قنع و به معنای راضی شدن می باشد. در مفردات و اقرب الموارد آمده: قنع یقنع قنوعاً از باب منع یمنع بمعنی سؤال و از باب علم یعلم که مصدر آن قناعه و قنعان است (قرشی بنایی، ۱۴۱۲ق، ج ۶، ص ۴۲) و ابن منظور در لسان العرب این‌طور آورده است: الإقناعُ: رفع الرأس و النظر فی ذلِّ و خُشوع (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، لسان العرب، ج ۸، ص ۲۹۹) الإقناع: الإقبال بالوجه علی الشیء (مصطفوی، ۱۳۶۸ش، ج ۹، ص ۳۲۶) که در همهی کتب به معنی بمعنی رضا و خوشنودی است.

برای اقناع تعاریف و حتی اهداف گوناگونی بیان شده است. اقناع فرایندی است که برای تغییر نگرش مخاطب انجام می‌گیرد و یا درحالتی خوشبینانه اندیشه مخاطب را در جهت موردنظر به تکاپو وا می‌دارد با توجه به اینکه واژه تبلیغ بار معنایی اقناع را به دوش می‌کشد و خطابه و سخنرانی از شیوه‌های کهن تبلیغات بوده‌اند در طول تاریخ بشر، دانشمندان و حاکمان هر عصری با خطابه‌های خود، مردم را به اهداف مورد نظر خویش متمایل کرده‌اند. (رهبر، ۱۳۷۱، ص ۱۲۸-۱۲۹) اقناع را به کوشش آگاهانه یک فرد یا سازمان برای تغییر نگرش، باور و ارزش‌ها یا دیدگاه‌های فردی گروهی دیگر تعریف کرد. (گیل، ۱۳۸۴، ص ۵۱). اقناع یک فرایند ارتباطی است که هدف آن نفوذ کردن در گیرنده پیام است یک پیام ترغیبی

یک نظر یا یک رفتار را به شکل داوطلبانه به گیرنده پیام ارایه می‌کند و انتظار می‌رود این پیام در گیرنده پیام یا مخاطب موثر واقع شود (کیا و سعیدی، ۱۳۸۳، ص ۵۲)

## ۱-۲ سیره سیاسی

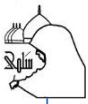
واژه سیره در لغت به معنای روش، رفتار و طریقت می‌باشد. ابن‌منظور در این باره می‌گوید: سیره از کلمه «سیر» به معنای رفتن است و خود کلمه سیره به معنای روش و رفتار و سنت و طریقت و هیأت می‌باشد (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۶، ص ۳۹۹).

«سیره» اصلی است که دلالت بر گذشت و جریان دارد از «سار، یسیر، سیراً» و «سیر» به معنای سیر در روز و شب است. «سیره» روش در چیزی و به معنای سنت است، زیرا حرکت می‌کند و جریان می‌یابد (ابن‌فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۱۲۰).

شهید مطهری می‌نویسد: سیره در زبان عربی از ماده سیر است. «سیر» یعنی حرکت، رفتن، راه رفتن، «سیره» یعنی نوع راه رفتن، سیر یعنی رفتن، رفتار، ولی سیره یعنی نوع و سبک رفتار (مطهری، ۱۳۸۰ش، ص ۴۷؛ زرین کوب، ۱۳۸۷ش، صص ۹۰ - ۸۶).

طریحی لغت‌شناس معروف در فرهنگنامه مجمع البحرین می‌نویسد: «السیاسة القیام علی الشیء بما یصلحه؛ سیاست یعنی اقدام برای سامان دادن چیزی، به وسیله اموری که آن را اصلاح کند و سامان بخشد» و در ادامه می‌نویسد: در وصف امامان معصوم (علیهم السلام) گفته شده است: «انتم ساسة العباد؛ شما سیاست‌مداران بندگان خدا هستید.» و نیز در شان آن‌ها آمده: «الامام عارف بالسیاسة؛ امام به امور سیاست آگاهی و شناخت دارد.

و نیز در روایت آمده: امور دین و ملت، از جانب خداوند به پیامبرش واگذار شد، لیسوس عباد؛ تا آن پیامبر بندگان خدا را بر اساس سیاست خود تربیت و اصلاح کند. (الطریحی النجفی، ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۷۸: ۱۳۷)





در مصباح المنیر، آمده است: «وساس زید الامر دبره وقام بامرہ؛ (فیومی، ۱۴۱۴ق، واژه سوس) زید امور زندگی خود را سیاست کرد، یعنی آن را تدبیر نمود و استوار ساخت»؛ لغت‌شناس معروف، علامه طریحی می‌نویسد: «السیاسة القیام علی الشیء بما یصلحه (طریحی، ۱۳۷۵ش، واژه سوس)

پیرامون سیاست در کلام حضرت امام خمینی - قدس سره - چنین آمده است: سیاست به معنی این که جامعه را راه ببرد و هدایت کند به آنجایی که صلاح جامعه و صلاح افراد هست، این در روایات ما برای نبی اکرم با لفظ سیاست ثابت شده است (خمینی، ۱۳۶۹ش، ج ۱۳، ص ۲۱۶ و ۲۱۷)».

لذا سیره سیاسی در اصلاح عبارت است از شیوه و سبک اداره‌ی حکومت اسلامی یعنی شیوه‌هایی که سیاست مدار، رهبر و یا نماینده‌ی مردم در جهت هدایت جامعه و رساندن پیام به آنها انجام می‌دهد.

### نظریه مشهور در حوزه‌ی «اقناع»

از جمله اهداف مهمی که در ارتباط انسان‌ها صورت می‌گیرد، متقاعد ساختن و همراه نمودن گیرندگان پیام با اندیشه‌های فرستنده است. لذا به ناچار باید پذیرفت که عنصر متقاعد سازی و همراه ساختن، از مفاهیم اساسی در جهان امروز است.

در حوزه‌ی اقناع نیز نظریه‌هایی وجود دارد که مشهورترین آن نظریه‌ی اقناع کارل هاولند است. هوولند (Hovland) در کتاب "ارتباطات و اقناع"، بارون (Baron) و بیرن (Biren) به پیروی از هوولند در سال ۱۹۹۶ در کتاب "روانشناسی اجتماعی" به نقش اعتبار منبع و ساختار پیام در متقاعدسازی مخاطب اشاره داشتند، محققان دانشگاه آکسفورد نیز در تدوین "فرهنگ جامع ارتباطات" به لحاظ اهمیت و حساسیت نقش اقناع و تبلیغ در فعالیت‌های روابط عمومی فصلی را اختصاص دادند. این محققان فرایند اقناعی را در دو متغیر ورودی و خروجی تجزیه و تحلیل کرده‌اند. آنان متغیرهای ورودی را در پنج بخش منبع، پیام، کانال، مخاطب و هدف مورد مطالعه قرار داده و متغیرهای خروجی را گام‌های پی در پی

که به تغییرات مورد نظر در گرایش ها و رفتار مخاطب و مخاطبان منتهی می شود؛ تعریف کرده اند (میر سعید قاضی، علی، ۱۳۷۵، صص ۴۵ تا ۵۴). سورین وتانکار در این باره می گویند اقناع گونه ای از ارتباطات اجتماعی است و افراد زیادی به آن علاقه مند هستند به کار گرفتن متخصصان روابط عمومی در صنایع نیروی اتمی برای بی خطر جلوه دادن قدرت اتمی و در پی آن متقاعد کردن مردم در این امر نوعی اقناع است زیرا افراد سعی دارند تا از طریق پیام های ارتباط جمعی تغییراتی در اشخاص دیگر بوجود آورند (سورین و تانکار، ۱۳۸۱)

یکی از مباحث مهمی که پیرامون افکار عمومی وجود دارد اقناع می باشد. اقناع از مهمترین مباحث ارتباطات رسانه ای و انسانی است چنانچه دستگاه عظیم رسانه ای به کار آیند هزینه گزاف صرف نمایند اما به حد اقناع نرسد یقیناً تمامی منابع به هدر رفته است برای تحقق اقناع رسانه ها (و یا فرد) باید به عمق ذهن انسان ها و ژرف دل آنها دست یابند یعنی پیامشان عقلاً فهمیده و پذیرفته شود و سپس بعد عاطفی یابد و به دل نشیند (ساروخانی، ۱۳۸۳، صص ۹۳-۱۱۵)

## ۲- روش های اقناع در سیره سیاسی حضرت

براساس تعاریفی که از اقناع شد جهت رسیدن به روش های اقناع در کلام حضرت علی (علیه السلام) زمان خلافتشان، نیازمند این است که سیره سیاسی ایشان را در جنگ های جمل و صفین و نهروان که سرتاسر خلافتشان را در برمی گرفت بررسی شود.

ایشان از دو روش مستقیم و غیرمستقیم در این زمینه بهره می گرفتند روش مستقیم همان اقناع چهره به چهره می باشد که بیشتر در خطبه ها و سخنرانی های حضرت نمود پیدامی کند، بدین معنا که خود حضرت بدون واسطه و رو در رو پیام خود را انتقال می دادند که معمولاً برای عوام و خواص سپاه خودی و دشمن ایراد می کردند.





در روش غیر مستقیم نیز که اقناع چهره به چهره نیست و بیشتر با واسطه و یا نامه می‌باشد که بیشتر خطاب به سران سپاه خودی و دشمن و همچنین دادن پیغام به رهبران جامعه و یا افراد بانفوذ صورت گرفته است.

با نگاهی تحلیلی به تعداد خطبه‌ها که ۲۴۱ می‌باشد و نامه‌های حضرت که ۷۹ می‌باشد بدین نتیجه می‌رسیم که حضرت در اقناع افکار عمومی بیشتر از روش مستقیم استفاده می‌کردند؛ زیرا در خطبه‌ها انتقال پیام بی واسطه و چهره به چهره است برخلاف نامه‌ها که با واسطه و بدون رو در روی می‌باشد.

خوب است بدانیم طبق تحقیقات صورت گرفته در قرن اخیر توسط ایلدر (۱۹۶۳) تحت عنوان "متقاعد سازی، شیوه‌ها و روش‌ها" به مقایسه شیوه‌ی رسانه‌ها و تماس چهره به چهره در برانگیختن مردم برای رای دادن به یک تغییر پرداخت. او برای این امر گروهی از مردم را به سه دسته تقسیم نمود: گروهی از مردم را در معرض تبلیغات رسانه‌ای گروه دوم را در عوض مبلغی پول و گروهی سوم را در معرض متقاعد سازی چهره به چهره قرار داد.

نتایج به دست آمده نشان داد: که از اعضای گروه اول ۱۹ درصد، گروه دوم ۴۵ درصد و از گروه سوم ۷۵ درصد به تغییر مورد نظر رای دادند. ایلدر سولد از این یافته‌ها نتیجه گرفت که در متقاعد سازی سیاسی روش چهره به چهره از موثرترین روش‌هاست (الیاسی، ۱۳۸۸ش، ص ۵۲).

لذا به اهمیت روش مستقیم تا غیر مستقیم در سیره سیاسی حضرت، خصوصا در خطبه‌ها و نامه‌ها بیشتر واقف می‌شویم.

### ۳- عناصر اقناع در سیره سیاسی حضرت

عناصر اصلی که در اقناع درگیر است باتوجه به هدف، عقاید و دیدگاه اقناع کننده متفاوت است. از اینرو باتوجه به موضوع این تحقیق اقناع در سیره سیاسی حضرت علی (علیه السلام) پس از خلافت به شیوه آن بزرگوار می‌پردازیم و از پرداختن به عناصری که در تحقیقات اخیر صورت گرفته و بعضا کلام حضرت را بدان عناصر تطبیق داده‌اند می‌پرهیزیم زیرا نگارنده بر این باور است برای دستیابی

حقیقی از شیوه‌های اقتناع در کلام حضرت باید عناصر اصلی را از محوریت کلام خود حضرت درآورد نه اینکه از عناصر اقتناع در شرق و غرب استفاده کرد و کلام حضرت را بدان منگنه کرد.

سیره‌ی سیاسی امام علی (علیه السلام) به عنوان یک حاکم دینی و چهره مطرح که در خلافت همراهی مردم را می‌خواست با رهبران دیگر جوامع متفاوت است آن بزرگوار مثل خیلی از حاکمان جور برای رسیدن به هدف هرچند مقدس از وسیله‌ی نادرست استفاده نمی‌کردند چه رسد برای اقتناع افکار عمومی.

امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «لولا ان المکر و الخدیعه فی النار لکنت امکر الناس» اگر جایگاه مکر و حيله در آتش جهنم نبود من مکارترین مردم بودم (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۳۷).

بنابراین معلوم می‌شود که اسلام اجازه نداده است برای رسیدن به هدف از راه باطل و نادرست مثل فریب و تطمیع و تحمیق و... تبلیغ و سخن‌پراکنی کنیم. مثلاً حضرت در شورای شش نفره برای رسیدن به حکومت و دنبال کردن هدف مقدس خود می‌توانست خلاف اعتقاد خود حرف بزند و به شکل صوری و لسانی شرط عبدالرحمن بن عوف را بپذیرد؟ و یا بعد از به خلافت رسیدن، برای رعایت مصلحت نصیحت ناصحانی چون مغیره بن شعبه را بپذیرد و اجازه دهد معاویه چند صباحی به عنوان والی او در شام در قدرت باشد تا وقتی سروصداها خوابید به حسابش برسد؟ و... یا در صفین آب را بر دشمن غدر و گستاخ خود ببندد و...؟ ما می‌دانیم و همه می‌دانند که علی (علیه السلام) هرگز برای رسیدن به هدف مقدس از اصول مقدس خود عقب‌نشینی نکرد و به وسیله و ابزاری غیرمقدس تمسک نجست و این را حتی دشمنان علی نیز درباره آن بزرگوار معترفند. و این است که بزرگترین دشمن و بدخواه او یعنی معاویه در وصف علی (علیه السلام) می‌گوید؛ عقت النساء ان یلدن مثل علی ابن ابیطالب؛ زنان عالم عقیمند که بتوانند چون علی بزایند. این سیره پیامبر و علی (علیهما السلام) است. امام حسین (علیه السلام) نیز حرکت اصلاحی و قیام ظلم ستیز خود را بر







مبنای این سیره قرار داده است. بنابراین: «... ما همانطور که باید هدفمان مقدس باشد، وسایلی که برای این هدف استخدام می‌کنیم نیز باید مقدس باشد» همچنین «جزء آداب نبوت این است و سیره کلی همه انبیاء بوده است که هرگز برای هدف مقدس یعنی برای حق، از باطل استفاده نکرده‌اند...» (مطهری، ۱۳۶۸، سیری در سیره نبوی، ص ۶۳)

با مطالعه در سیره سیاسی حضرت پس از خلافت با توجه به این نکته که دوران خلافت ایشان در جنگ جمل و صفین و نهروان سپری شد سه عنصر اصلی از اقناع که در کلام حضرت امیرالمؤمنان می‌یابیم عبارتند از: خدامحوری، مردم‌مداری و دشمن‌شناسی می‌باشد. که برای هر کدام از این عناصر نیز از ابزارهایی بهره می‌بردند که در هر دسته متفاوت می‌باشد

یکی از مهم‌ترین ابزارهایی مخاطب را به سمت اقناع افکار عمومی سوق می‌دهد تمسک به عقیده و ارزش‌های افراد می‌باشد، لذا در جوامع دینی معمولاً دولت‌مردان و سیاستمداران به ارزش‌ها و باورهای جامعه توجه دارند که به فراخور اهداف آنان، استفاده از ارزش‌های جامعه هم متفاوت است از آن‌رو که این ارزش‌ها و اعتقادات برای حاکمان، گاهی دست‌آویزی برای اهداف دنیوی و گاهی سکویی جهت ارتقای کمالات اجتماع می‌باشد. لذا عنصر اول خدامحوری می‌باشد

## ۱. خدامحوری

طبیعی است در جامعه‌ای که اسلام چندی نیست که نمو نموده خداباوری یک اصل مطرح است هرچند که برخی قلباً آن را قبول نداشته باشد لکن برای فریب جامعه گزینه‌ی مناسبی است همانطور که ابوبکر، عمر، عثمان و حتی معاویه برای تکیه برمسند خلافت این اصل را علم کردند هرچند اهداف دیگر و لذت‌های پست دنیوی پشت آن بود. حضرت هم برای اقناع افکار عمومی از این امر در جهت ارتقاء افکار عمومی استفاده کردند که از ابزارهایی بهره می‌جستند.

## ۱-۱ اعتقادات دینی

یکی از ابزارهایی که حضرت در این راستا بکار می‌بردند بیان باورهای خود و همسو بودن با اعتقادات مردم جامعه می‌باشد تا از این راه اعتماد و اقناع مردم را به دست آورند

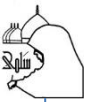
حضرت در بحبوحه‌ی جنگ جمل می‌فرمایند: ... **وَإِنِّي لَعَلَىٰ يَقِينٍ مِنْ رَبِّي وَغَيْرِ شُبهةٍ** مِنْ دِينِي (رضی، ۱۴۱۴ق، خطبه / ۲۲، ص ۶۴). من به خدای خود یقین دارم و در دین خویش شبهتی نیارم علاوه بر ابراز اعتقادات خود به محکم بودن عقاید خود و اتمام حجت در این مقوله برای جامعه اشاره دارد.

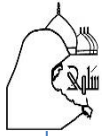
حضرت پس از آن‌که متوجه کشته شدن ابن‌خَبَّاب و زن باردارش به دست خوارج شد از آن‌ها خواست که قاتل را برای قصاص بدو بسپارید، در اینجا گویا امام (علیه السلام) می‌خواهد برای آن‌که تمامی راه‌ها را به روی خوارج نبندد و از توان آن‌ها در راه مطلوب استفاده نمایید فقط به قصاص قاتل اشاره می‌کند. اینکه در این بحبوحه به بحث دینی قصاص اشاره می‌کند علاوه بر برپایی عدالت به اعتقاد مهم مسلمان در مقوله قصاص اشاره می‌کنند.

همچنین این جمله "باشد که خدا دل‌هاتان را بگرداند" نشان از خدا باوری حضرت و مقلب القلوب بودن خداوند می‌باشد، که نشان دهنده‌ی یاد خداوند در دل حاکم اسلامی و تزریق آن به جامعه در تمامی مواقع خصوصاً جنگ می‌باشد. لذا بیان اعتقادات یکسان در جهت همراه سازی افکار عمومی نقش به‌سزایی دارد. در کلام امیر بیان از این موارد متعدد می‌باشد که متاسفانه از حوصله این نوشته خارج می‌شود.

## ۱-۲ استناد به قرآن

حضرت پیرامون جنگ جمل پیمان‌شکنی ناکثان سخنی داشتند در این باره که عایشه و طلحه و زبیر بیعت کردند و سپس شورش کردند در این راستا از آیه قرآن برای اقناع افکار عمومی استفاده کردند.





از نظر حضرت این سرکشان، با خداوند پیمان بستند و سپس بیعت شکستند که پیمان با حاکم اسلامی به مثابه پیمان با خداوند است بیعت‌شکنی با حاکم هم شکستن بیعت با خداوند است. (ابن ابی الحدید، ۱۳۷۷ش، ج ۹، ص ۳۱۲).

پس از آشوب و فراغت یافتن از [نبرد] نهروان، امیر مؤمنان علی بن ابی طالب بر منبر کوفه فراز آمد و پس از ایراد سخنانی به این آیه تمسک جستند.

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا» جَعَلْنَا اللَّهَ وَ إِيَّاكُمْ مِّن سَمِعِ الْوَعظِ فَقَبِلْ، وَدُعِي إِلَى الْعَمَلِ فَعْمَلْ. تمسک به این آیه قرآن، ای ایمان آورندگان! خود و خاندانتان را از آتش دور دارید حضرت به امر پروردگار، دیگران را از آتش باز می‌دارد که به امر خداوند مراقب خود و خاندانتان باشید.

خدا ما و شما را از کسانی گرداند که اندرز را می‌شنوند و می‌پذیرند حضرت با بیان استعاری خواستار این می‌شود که به سخنانی که فرمودند عمل کنند که البته توفیق به عمل در راستای سخنان حاکم اسلامی را خداوند می‌دهد این استنادها به قرآن و استندهای دیگر جهت اقناع سازی افکار عمومی در جامعه‌ی اسلامی نقش به‌سزایی دارد.

### ۱-۳ ناسی به سیره پیامبر

سیره‌ی پیامبر و حتی نام ایشان در جامعه‌ای که اسلام و خدا باوری نمود اصلی آن است یک شاخص اصلی برای همگان هست و تاثیر به‌سزایی در جریان اقناع سازی افکار عمومی دارد.

حضرت در نامه‌ای به عایشه می‌فرماید:

فَإِنَّكَ خَرَجْتِ غَاضِبَةً لِّلَّهِ وَ لِرَسُولِهِ، تَطْلُبِينَ أَمْرًا كَانَ عَنكَ مَوْضُوعًا، مَا بَأُلُ التَّسَاءِ وَالْحَرْبِ وَالْإِصْلَاحِ بَيْنَ النَّاسِ؟! تَطَالِبِينَ بَدَمِ عُثْمَانَ وَ لَعَمْرِي لَمَنْ عَرَضَكَ لِلْبَلَاءِ، وَحَمَلَكِ عَلَيِ الْمُعْصِيَةِ، أَعْظَمُ إِلَيْكَ ذَنْبًا مِنْ قَتْلَةِ عُثْمَانَ! فَاتَّقِي اللَّهَ وَارْجِعِي إِلَى بَيْتِكَ (الدينوري،

۱۳۶۸ش، ج ۱، ص ۹۰). امام خروج کردن عایشه را خشم بر خدا و رسول او می‌داند.

## ۲. مردم‌داری و توجه به هنجارهای اجتماعی

در سیره سیاسی علی (علیه السلام) مردم جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص داده است گویا حکومت اسلامی را بر این رکن استوار کرده است.

از نظر حضرت اکثریت نه تنها باعث انتقال قدرت به حاکم می‌شود بلکه حاکم می‌بایست آنجا که نظر مردم متفاوت از رای حاکم است در صدد اقناع افکار عمومی نیز برآید لذا مردم‌داری نیز ابزاری دارد:

توجه به رعایت حقوق عمومی، سوء استفاده نکردن از بیت المال شاهکار حکومت مردم‌داری و بلکه مردم سالار علوی است که در عبارت زیر خودش را نشان می‌دهد:

اگر این بیعت کنندگان نبودند و یاران، حجت بر من تمام نمی‌کردند، و خدا علما را فرموده بود تا ستمکار شکمباره را بر نتابند و به یاری گرسنگان ستم‌دیده بشتابند، رشته این کار (حکومت) را از دست می‌گذاشتم و پایانش را چون آغازش می‌انگاشتم. (رضی، ۱۴۱۴ق، خطبه ۳)

در حالی که غالباً در نظام‌های غیر دینی هدف از اقناع افکار عمومی رسیدن به قدرت، چپاول حقوق ستم‌دیده‌گان و یاری ستمگران هست. البته ذکر یک نکته هم قابل توجه هست که مردم باوری و اولویت قراردادن مردم از طرف حضرت، باتبعیت از احکام اسلامی و خدشه وارد نکردن بر اسلام است یعنی بیعت مردم با حاکم اسلامی بر ملاک تعهد حاکم به اطاعت از خدا و رسول است لذا این شرط را با (بیعت گیرندگان) در میان گذاشتند: ما از شما به شرط اطاعت از خدا و رسول خدا بیعت می‌گیریم و اگر بر آن وفادار نماندم، هیچ اطاعتی بر شما نیست و بر گردن شما هم بیعتی نیست. قرآن راهنمای ما و شماست. نمونه‌ی دیگر از مردم سالاری دینی حضرت در مقابل خوارج پیرامون ماجرای حکمیت می‌باشد.

سیره سیاسی ائمه (علیهم السلام) نشان می‌دهد آنها برای اقناع مردم از روش‌های گوناگون استفاده می‌کنند اما وقتی مردم یکصدا گمراهی را انتخاب می‌کنند پس از اتمام حجت با آنان، دیگر به خواسته‌ی خود اصرار نمی‌ورزند همانطور که مردم





بعد از بیعت با پیامبر ص، ابوبکر را انتخاب کردند و یا در ماجرای حکمیت که حضرت در این باره می‌فرمایند:

به روشنی مشخص است که خوارج در جنگ صفین فریب خوردند و بر عقیده اشتباه خود پافشاری کردند و حتی حضرت مالک را که تا چند قدمی پیروزی رفته بودند مجبور به عقب نشینی کردند، سیره سیاسی ائمه (علیهم السلام) می‌گوید برای حاکم اسلامی بلوغ فکری جامعه هم نقش مهمی دارد.

لذا عنصر بعدی که در سیره‌ی سیاسی حضرت به عنوان رهبر نمود دارد مردم داری و مردم سالاری ایشان می‌باشد. ابزارهایی که حضرت در این زمینه بکار می‌گرفتند بیشتر تکیه بر ساختارهای اجتماعی و هنجارهای اجتماعی می‌باشد که همان آداب و رسوم، ارزش‌ها و باورها است باید توجه داشت که این هنجارها ممکن است از یک منطقه تا منطقه دیگر هم تفاوت داشته باشد حضرت هم بی‌شک به این نکته توجه داشتند در کلام حضرت سخنانی که با مردم کوفه داشتند متفاوت از مردم شام هست حتی نماینده‌هایی که برای هر منطقه می‌فرستادن.

لربینگر از نظریه پردازان اقناع برای متقاعدسازی مخاطب پیشنهاد می‌کند که تاریخچه زندگی مخاطبان، گذشته آنها، هنجارهای گروهی و منافع و وابستگی‌های آنها مورد توجه قرار گیرد همچنین پیام‌گذاران، پذیرش پیام جدید را در خدمت مخاطبان مطرح کنند و برشمارند. به اعتقاد وی وجود رسوم، سنت‌ها، معیارها، قواعد، ارزش‌ها، مدها و سایر معیارها بیانگر این مساله است که تاثیر اجتماعی بر رفتار و نگرش فردی به جا گذاشته می‌شود. قابل توجه است که در شیوه‌های متقاعد سازی با توسل به هنجارهای گروهی باید به چند نکته توجه کرد. اول اینکه پیام‌هایی که منجر به تغییر نگرش می‌شوند باید دارای ماهیت اتکا به گروه باشند. هر چه ماهیت اتکا به گروهی پیام بیشتر باشد تاثیر هنجارهای گروهی مربوط هم بیشتر خواهد بود. (لربینگر، ۱۳۷۶، ص ۱۲۵ تا ۱۵۰)

لازارسفلد و مرتن که در زمینه‌ی اقناع و ارتباط جمعی کار کردند؛ در اثرشان «ارتباط جمعی، سلیقه مردم و عمل اجتماعی سازمان یافته» می‌نویسند: زمانی که

اندیشه یا پیام‌ها با ساختارهای اجتماعی تطابق نداشته باشد، مورد طرد قرار می‌گیرد (ساروخانی، ۱۳۸۳، ص ۹۹)

در سال‌های قبل (ده‌های ۴۰ تا ۵۰) سخن از کنترل مولید در ایران بسیار می‌رفت. مسئولان آن روز وزارت بهداشت نیز در راستای تحقق همین امر، فیلم‌های تبلیغاتی ساختند. در یکی از فیلم‌ها دو خانواده نشان داده می‌شد، یکی خانواده پرجمعیت و پر اولاد بود. به همین جهت کثیف بود، غذای کافی نبود. لباس‌ها پاره و کثیف بود، در خانه دیگر که تعداد فرزندان اندک بود، وضع جز این بود؛ همه سالم و خندان بودند، لباس‌ها تمیز بود و غذای کافی نیز در دسترس همه بود.

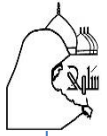
ملاحظه می‌شود، هدف روشن بود، رسانه نیز خوب، (پخش فیلم در روستاها) پیام نیز شفاف بود لیک در عمل نتیجه حاصل نشد. علت این بود که فرد روستائی با دیدن فیلم به نوعی خلسه دچار می‌شد. فیلم و محتوای آن را می‌پذیرفت. اما فردای آن روز که اثر خلسه کاستی می‌پذیرفت، به اندیشه می‌پرداخت و می‌دید، اصلاً چنین چیزی ممکن نیست. فرزندان در عصر روستانشینی هزینه‌ای نداشتند، برعکس از آغاز کمک اقتصادی، مالی و سیاسی و خانه بودند. پدر از آنان برای دفاع از خویش و خانواده استفاده می‌کرد (ساروخانی، ۱۳۸۳، ص ۱۰۰).

### ۳. هنجارهای اجتماعی

ارزش‌هایی اجتماعی زمان خلافت حضرت علی؛ افتخار به اصل و نسب، جنگ‌جویی، ادبیات خصوصاً شعر می‌باشد از اینرو ابزار مناسبی برای اقناع مردم جهت توجه به مردمداری می‌باشد.

افتخار به اصل و نسب در بین اعراب بر هیچ کس پوشیده نیست حتی هم اکنون هم در میان اعراب این اصل مهم وجود دارد و خاندان سعودی براین اساس برآن حکومت می‌کنند لذا در راستای اقناع افکار عمومی یکی از ابزارهای مهم بشمار می‌آید در این زمینه از حضرت علی (علیه السلام) روایات زیادی آمده است:





افتخار به اصل و نسب در میان اعراب امر جا افتاده‌ای می‌باشد که حضرت هم بدان تأکید دارد که برای اقتناع افکار عمومی و در تصمیم‌گیری بین حق و باطل نقش بسزایی دارد از آنجا که به دور بودن اصل و نسب طلحه و زبیر از پیامبر هم سخن می‌گوید. حقی که حضرت بدان اشاره دارد حق حکومت وی بر مردم می‌باشد که خلفای قبل غصب کردند، که امام برای این پایداری حق، آن‌ها را نفرین می‌کند.

امام علی (علیه السلام) در جای دیگر می‌فرماید: **فَلَا تَتَّبِعُوا مِنِّي؛ فَإِنِّي وُلِدْتُ عَلَيَّ الْفِطْرَةَ، وَ سَبَقْتُ إِلَى الْإِيمَانِ وَ الْهِجْرَةِ** (رضی، ۱۴۱۴ق، خطبه ۵۷). این که امام می‌گوید: از من بیزاری مجوید که من بر فطرت مسلمانی زادم، علاوه بر افتخار اصل و نسب به گفته‌ی ابن ابی الحدید اشاره به این روایت، معروف دارد که: «هر نوزادی بر فطرت خداشناسی متولد می‌شود. و اما پس از دوران خردسالی از فطرت خداشناسی خود دور نشد، بدین دلیل که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) سرپرستی و تربیت و تزکیه نفسانی او را، در کسب دانش و وارستگی، از دوران کودکی تا به هنگامی که رحلت فرمود، بر عهده داشت.»

حضرت ضمن افتخار به اصالت خویش از حقارت نسب دشمنان خود نیز در جمله‌ی - **وَ مَا لِلطُّلَقَاءِ وَ أَبْنَاءِ الطُّلَقَاءِ - وَ التَّمِيْزِ بَيْنَ الْمُهَاجِرِينَ الْأَوَّلِينَ** (رضی، ۱۴۱۴ق، الکتاب ۲۸) ضمن حفظ حرمت خلفای قبل، معاویه را پست و حقیر می‌کند و با اشاره به اصل و نسب او گذشته‌اش را متذکر می‌شود و بدو می‌فهماند تو اصلاً کسی نیستی که بخواهی در این زمینه نظری بدهی چه برسد که مراتب آن‌ها را بشناسد! امام با این سخن شیوا او و دیگران را متقاعد می‌سازد که فرقتش با خاندان نبوت و حتی مهاجر و انصار چگونه است

در مورد جنگجویی حضرت علاوه بر آموزش‌های نظامی که می‌دادند و باتوجه به شورش‌ها و فتنه‌هایی که از روزهای نخستین خلافت و تا زمان شهادتشان بوجود آمده بود برای اقتناع به جنگ و مقابله با دشمن از این روحیه‌ی جنگ جویی مردم در راستای اهداف اسلام استفاده می‌کردند همانگونه که در زمان امام حسن (علیه

السلام) این روحیه در مردم خاموش شده بود و امام حسن (علیه السلام) از راه دیگری برای اقناع و ایجاب عوام و خواص استفاده می‌کردند.

در آن روز که امیرالمؤمنین مسؤولیت زمامداری مسلمانان را به گردن گرفت همین که امیرالمؤمنین از حرکت دار و دسته جمل به سوی بصره آگاه شد، با تنی چند از یاران، بی آنکه آهنگ جنگ داشته باشد، به دنبالشان به راه افتاد، باشد که آنان را از فاجعه برادرکشی و جنگ داخلی باز دارد. لیکن چون به جایی در نزدیک بصره به نام «ذی قاره» رسید، دریافت که آنان به بصره درآمده‌اند و سرجنگ دارند. از آنجا امام به شهرها نامه نوشت و آنان را به جنگ با این گروه فراخواند

در خطبه ۶ گوشه‌ای از سخنان حضرت در این باره به تصویر کشیده شده است. این خطبه در شرح ابن ابی الحدید و شرح ابن میثم خطاب به امام حسن (علیه السلام) آمده است (ابن ابی الحدید، ۱۳۷۷ش، ج ۱، ص ۲۲۴؛ ابن میثم، ۱۳۶۲ش، ج ۱، ص ۵۵۷). لکن در کتاب پرتویی از نهج البلاغه به نقل از تاریخ الطبری آمده شده که خطاب به عُرَیّ، همان کسی که شترش را برای عایشه خریدند، می‌باشد (جعفری، ۱۳۸۰ش، ج ۱، ص ۱۷۳). با توجه به سیاق متن می‌توان گفت که این سخن مربوط به امام حسن (علیه السلام) نمی‌باشد.

حضرت از گفتار مثال می‌زند این حیوان از نادان‌ترین حیوانات است و از حماقت آن چنین گفته‌اند که صیادان وارد لانه آن شده و می‌گویند این گفتار نیست و یا می‌گویند این گفتار مست است، گفتار بی‌حرکت می‌ماند تا پایش را با ریسمانی که تهیه کرده‌اند می‌بندند. (ابن ابی‌الحدید، ۱۳۷۷ش، ج ۱، ص ۲۲۵) که استعاره از نشستن گفتار تا دشمن بر او بتازد. در این کلام، امام (علیه السلام) پیشنهاد به تأخیر انداختن جنگ با طلحه و زبیر را با یک مفهوم تشبیهی رد می‌کند، با این توضیح که اگر جنگ را به تأخیر اندازد موجب آمادگی بیشتر دشمن می‌شود و در این صورت مانند گفتاری خواهد بود که مدت حيله صیاد همچنان آرام بماند و







بخواهد. از این رو جنگ طلب نبودن نباید مانع آمادگی و هوشیاری شود لذا نباید به گونه‌ای عمل کرد که دشمن بتواند غافلگیرمان کند.

سپس امام (علیه السلام) سوگند یاد می‌کند که چنین نخواهد بود. یعنی بر فراوانی ستم و سرکشی آرام نخواهد گرفت و در طول زندگیش همواره از حق دفاع خواهد کرد و می‌فرماید: من به وسیله طرفداران حق، پشت‌کنندگان به حق و به وسیله حرف شنوان مطیع، سرکشان شکاک را تنبیه خواهم کرد. (ابن‌میثم، ۱۳۶۲ش، ج ۱، ص ۵۵۹) در اینجا نیز اقناع عمومی برای جنگ می‌باشد از آنرو که نقش سازنده‌ی نیروی انسانی در یاری حاکم و جامعه مشخص می‌باشد. پس از جنگ جمل، امام در قدرشناسی از یاران کوفی و مدنی اقدام آنان را چنین وصف می‌کند:

أَنْتُمْ الْأَنْصَارُ عَلَى الْحَقِّ وَ الْإِخْوَانُ فِي الدِّينِ وَ الْجُنُودُ يَوْمَ الْبُأْسِ وَ الْبِطَانَةُ دُونَ النَّاسِ، بِكُمْ أَضْرِبُ الْمُدَبِّرَ وَ أَرْجُو طَاعَةَ الْمُقْبِلِ. فَأَعْيُنِي بِمَنَاصِحِهِ خَلِيَّةٍ مِنَ الْعَشْرِ، سَلِيمَةٍ مِنَ الرَّيْبِ، فَوَاللَّهِ إِنِّي لَأَوْلى النَّاسِ بِالنَّاسِ. گویی حضرت با تعریف از آنان در صدد این هستن با تشویق و نشان دادن راه حق این را به مخاطب القا کند که لیبیک به جنگ در راه حق، یاری امام و حاکم اسلامی را در بردارد.

در جایی دیگر پافشاری سپاهیان بر جنگ با خوارج آمده است که حضرت در آنجا هدف جنگ و دشمن اصلی را یادآوری می‌کنند و نتیجه سخنان امام و تاثیری که در اقناع آنها داشته است در متن موجود می‌باشد. (طبری، ۱۳۷۵ش، ج ۵، ص ۸۰).

#### ۴. کلام بلیغ

ابزار دیگری که حضرت برای اقناع به کار می‌بردند استفاده از کلام بلیغ می‌باشد متن خود نهج البلاغه گویای این ادعا می‌باشد شعر و نثر در فرهنگ اجتماعی زمان خلافت حضرت یک امتیاز و راه نفوذ در قلب‌ها بود سخن شیوا و بلیغ امام علی (علیه السلام) در خطبه‌ها و نامه‌ها و حکمت‌ها خصوصا در زمان خلافت

همگان را شگفت زده کرده است همچنین خطبه‌ی بدون نقطه یا بدون الف هم در کلام حضرت تا به امروز سرتعظیم در برابر ایشان را فرود آورده است. حضرت در زمان خلافت و حتی بحبوحه‌ی جنگ نیز از این شیوه برای متقاعد سازی استفاده می‌کردند تا جایی که خوارج خود به کلام نیکوی حضرت و تأثیری که بر اقناع آنها داشت اشاره می‌کند. گویا حضرت غلامش را می‌فرستد که با خوارج صحبت کند و آنها در جواب پاسخ می‌دهند. (ابن‌اعثم الکوفی، ۱۴۱۱ق، ج ۴، ص ۲۶۱)

### ۵. دشمن‌شناسی

عنصر بعدی که حضرت برای اقناع افکار عمومی در دوران خلافت به کار می‌برد معرفی دشمن جهت امر خطیر خنثی‌سازی برنامه دشمنان می‌باشد. که همگی در راستای توجه اندیشه مخاطب به سمت شناسایی دشمن و اهداف او برای غلبه بر دشمن می‌باشد.

از آنجایی که دوران خلافت حضرت از ابتدا تا انتها خلاصه می‌شود در جنگ جمل، صفین و نهروان لذا حضرت در این چهار سال خلافت درصد زیادی از سخنانشان را در بحبوحه‌های جنگ چه قبل از جنگ برای تدارک نیرو چه در حین جنگ و بعد از جنگ برای پیش‌گیری از جنگ بعدی و آگاه‌سازی عوام و خواص ایراد می‌کردند.

### ۶. دادن ملاک

یکی از ابزارهای اقناع افکار عمومی برای شناخت دشمن، دادن ملاک می‌باشد. از طرفی هم با توجه به تغییر ماهیت و پیچیدگی انسان‌ها نمی‌توان مقطعی به عملکرد هر کس نگاه کرد و آنگاه حکم نهایی را پیرامون شخصیت وی صادر نمود از نظر حضرت ملاک شناخت حق و باطل اینست: حق و باطل را بشناس تا اهل آن را بشناسی (یعقوبی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۱۰).

لذا عدم جامعیت و شناخت کافی در ارتباط با افراد و خصوصاً خواص سپاه دشمن می‌تواند منجر به تصمیم اشتباه و نادیده گرفتن حق شود حضرت مکرراً





در ارتباط با خواص سپاه دشمن مطالبی را ایراد نمودند که برای دشمن‌شناسی و شناخت چهره‌ی واقعی خواص به اصحاب سپاه برای اتخاذ تصمیم صحیح می‌باشد.

اصلی‌ترین راهی که در جوامع دینی در جنگ نرم و گاهاً سرد مورد دست‌آویز قرار می‌گیرد؛ پنهان کردن اهداف پست دنیوی در پشت چهره‌ی دین و اعتقادات است. این ملاکی که حضرت می‌دهد در همه‌ی زمان‌ها کاربرد دارد. یکی از راه‌هایی که برای دادن ملاک به شناخت حق کمک می‌کند پیروی از هوا و هوس می‌باشد. (رضی، ۱۴۱۴ق، کتاب/۳۷).

این‌که می‌گوید: «در هوس‌های نو پدید آورده گرفتاری، و به سرگردانی ملالت بار دجاری، حقیقت‌ها را ضایع ساخته ...» امام (علیه السلام) به معاویه متذکر می‌شود که پیروی هوا و هوس کنار گذاشتن حقایق را در بردارد حتی اگر آن حقایق از جانب خدا و حجت او بر بندگان باشد. ابزار دیگری که در راستای شناخت دشمن می‌تواند کمک بزرگی داشته باشد آشکار کردن اهداف و نیت درونی طغیان‌گران می‌باشد (مفید، الارشاد، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۲۴۶).

امام در ابتدای مخالفت با او مبنایش بر این نیست تا چهره و نیت باطنی سران را به نمایش کشد لذا سعی دارد با صحبت و ارشاد ناکثین را از راه اشتباهی که دنبال می‌کند منصرف کند لکن با اصراری که آن‌ها برای اثبات حق نابجای خود دارند حضرت نیت درونی‌شان را آشکار می‌کند و می‌گوید: که طلحه، زبیر و عایشه به دنبال چه هستند. از نظر حضرت سران ناکثین که ظاهراً با هم متحد هستند پای منافع دنیوی‌شان به میان آید، به یکدیگر رحم نخواهند کرد، چه برسد که بخواند از خون عثمان دفاع کنند، امام ضمن دشمن‌شناسی‌ای که می‌دهد به پیش‌بینی آینده هم می‌پردازد که نشان‌دهنده‌ی آگاهی ایشان بر امور است. (رضی، ۱۴۱۴ق، کتاب/۳۹، ص ۴۱۱).

امام علی (علیه السلام) ضمن معرفی عمرو بن عاص صراحتاً بیان می‌دارد که تو دینت را با پیروی کردن از معاویه به دنیایت فروختی. از این موارد در کلام حضرت در ارتباط باناکائین و قاسطین و مارقین زیاد هست.

## ۴. فنون و شیوه‌های اقناع

فنون و شیوه‌های که حضرت برای اقناع افکار عمومی بکار می‌گرفتند بر پایه‌ی چند تکنیک استوار است که در زیر خواهد آمد می‌توان گفت عناصر درکلام حضرت براساس این فنون شکل گرفته است یعنی تداعی و تلقین، منطق و آگاه‌سازی، تازگی و برانگیختن عواطف همه برپایه این عناصر که خدامحوری، مردمداری و دشمن‌شناسی است گویا اگر در زمینه‌ی امیرالمومنین تلاشی انجام داده‌اند با محوریت این عناصر فوق بوده است بطور مثال اگر برانگیختن احساسات از جانب حضرت اگر بوده است یا برای اصل خدامحوری یا مردمداری و یا دشمن‌شناسی است.

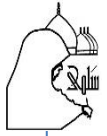
با این وجود خوب است با فنون و شیوه‌های اقناع درکلام امیربیران آشنا شویم

### ۴-۱ تداعی و تلقین:

بافن تداعی و تلقین بر عناصر گفته شده می‌توان در جهت اقناع عمومی و نهادینه کردن آنها گام برداشت. تداعی ساده‌ترین شیوه متقاعد سازی است. این طرح بر اساس اصل تداعی معانی بنیانگذاری شده است. یکی از تکنیک‌های اصل تداعی، تکرار است. تکرار بارهای بار یک پیام، پیام‌گذاران اقناعی را متقاعد می‌کند که سرانجام مخاطب نسبت به آن پیام واکنش مثبت نشان دهد. اما تکرار بیش از اندازه پیام ممکن است به اصل پیام لطمه زده و واکنش مخاطبان را نسبت به آن پیام کاهش دهد. آنچه در تکرار پیام‌های اقناعی باید به آن توجه شود، تازگی در متن پیام‌هاست که در چارچوبی آشنا، به مخاطبان ارایه شود. تکرار پیام همچنین می‌تواند مخاطب را برای پردازش پیام تحریک کند. البته تکرار بیش از حد موجب کسالت یا ملال می‌شود و از اثرگذاری پیام می‌کاهد (لربینگر، اتو، ۱۳۷۶،

ص ۱۲۵ تا ۱۵۰)





تلقین، نوعی متقاعدسازی ناهوشیارانه و ناآگاهانه است و از شیوه‌های رایج اقناع محسوب می‌شود. تلقین نوعی فرآیند ارتباطی است که موجب پذیرش مسئله‌ی مورد نظر اقناع‌گر می‌شود، اما این پذیرش مبتنی بر دلایل منطقی نیست و به صورت غیرحساب‌گرانه و ناآگاهانه محقق می‌شود. برخی شگردهای تلقین عبارت از این می‌دانند: القای تدریجی یک اندیشه، طرح سؤال، تکرار، بزرگ‌نمایی و مبالغه یا کوچک‌نمایی، ایجاد ترس، تحریک عاطفه و توسل به اکثری بودن (شرف‌الدین، ۱۳۸۷)

می‌توان گفت در سیره سیاسی حضرت مهمترین راه برای تلقین و تداعی؛ برجسته سازی عناصر می‌باشد. گاهی حضرت با توجه دادن به خدامحوری، گاهی مردم‌داری و گاهی دشمن‌شناسی به تکرار و تلقین می‌پردازد که به طور مستقیم و غیر مستقیم منجر به اقناع افکار عمومی می‌شود. (رضی، ۱۴۱۴ق، الکتاب/ ۵۵).

و همچنین در نامه ۳۰ می‌فرماید:

مِن كِتَابِ لَهُ إِلَى مُعَاوِيَةَ - فَاتَّقِ اللَّهَ فِيمَا لَدَيْكَ، وَأَنْظِرْ فِي حَقِّهِ عَلَيْكَ، وَارْجِعْ إِلَى مَعْرِفَةِ مَا لَا تُعْذِرُ بِجَهَالَتِهِ؛ فَإِنَّ لِلطَّاعَةِ أَعْلَامًا وَاضِحَةً، وَسُبُلًا نَبِيْرَةً، وَمَحَجَّةً نَهْجَةً، وَغَايَةً مُطْلَبَةً، يَرُدُّهَا الْأَكْيَاسُ، وَ يُخَالِفُهَا الْأَنْكَاسُ؛ مَنْ نَكَبَ عَنْهَا جَارَ عَنِ الْحَقِّ، وَخَبَطَ فِي التِّيهِ، وَغَيَّرَ اللَّهُ نِعْمَتَهُ، وَ أَحَلَّ بِه نِقْمَتَهُ. فَنَفْسِكَ نَفْسِكَ! فَقَدْ بَيَّنَّ اللَّهُ لَكَ سَبِيلَكَ. وَحَيْثُ تَنَاهَتْ بِكَ أُمُورُكَ فَقَدْ أُجْرِيَتْ إِلَى غَايَةِ خُسْرٍ وَ مَحَلَّةٍ كُفْرٍ؛ فَإِنَّ نَفْسَكَ قَدْ أَوْلَجَتْكَ شَرًّا، وَأَقْحَمَتْكَ غِيًّا، وَأَوْرَدَتْكَ الْمَهَالِكَ، وَ أَوْعَرَتْ عَلَيْكَ الْمَسَالِكَ. (رضی، ۱۴۱۴ق، الکتاب ۳۰).

حضرت در نامه ۵۵ و ۳۰ خطاب به معاویه با تداعی و تکرار یاد خدا فریبندگی دنیا و تلقین به حقارت او سعی دارد که با استفاده از فنون اقناع معاویه که پست‌ترین افراد زمان حضرت بودند نیز به هدایت دعوت کنند معاویه همانطور که می‌دانیم از خواص سپاه دشمن بودند چه بسا با اقناع او تمامی سپاه او هم در هدایت قرار می‌گرفتند.

با دقت در هر دو نامه و البته دیگر سخنان و نامه‌های حضرت عناصر و ابزار اقتناع را می‌بینیم.

#### ۴-۲ توسل به منطق و آگاه‌سازی

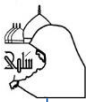
حاکم اسلامی یکی از وظایفی را که بر عهده دارد؛ ارتقای سطح فکری جامعه در مقوله‌های گوناگون هست: همانطور که امیرالمؤمنان (علیه السلام) به مردم می‌فرماید از حقوق شما بر من "تَعْلِيمُكُمْ كَيْلًا تَجْهَلُوا" می‌باشد (رضی، ۱۴۱۴ق، الخطبه ۳۳)، لذا حضرت گاهی با اطلاع‌رسانی به مردم و بیان حقایقی که در جریان نیستند یا به طور کامل و صحیح از آن آگاهی ندارند به آگاهی و بصیرت‌دهی جامعه می‌پردازند.

امام در هر فرصتی با استدلال و منطق به روشنگری یاران می‌پردازد تا در مقابل برنامه‌های دشمن و دلیل‌هایی که برمی‌شماردند حجتی نداشته باشند، «از دیگر تاکتیک‌های جنگ نرم دروغ بزرگ می‌باشد تا افکار عمومی با تحریف حقیقت فریفته شود» (مرادی، ۱۳۸۸ش، ص ۱۳۰) لذا مهم‌ترین راهکار در مقابل دروغ و تحریف، بیان حقیقت می‌باشد؛ در اینجا حضرت اشاره می‌دارد؛ ماجرای عثمان را به گونه‌ای خبر می‌دهم که شنیدنش مانند دیدنش باشد.

«این نامه نشانه‌ی ایمان امیرالمؤمنین به آگاه ساختن و قرار دادنشان در جریان امور است و سپس درخواست از آنان برای شرکت در جهاد و ... است امام نخست بر خود می‌داند حق مردم را از آنچه گذشته و علت جنگ را بیان کند و سپس حق خود را که فرمانبرداری مردم از وی است را درخواست می‌کند.» (جعفری، ۱۳۸۰ش، ج ۴، ص ۸۸)

در ماجرای حکمیت نیز امام یکی به یکی استدلال‌ها را می‌آورد و می‌کند (رضی، ۱۴۱۴ق، خطبه / ۱۲۱).

استفاده از اصل تداعی معانی برای ترغیب مخاطبان برای متقاعد سازی در زمینه‌های ساده و نه چندان پیچیده موثر است، ولی در زمینه‌های پیشرفته این روش چندان کارساز نیست و باید از روش افزایش آگاهی مخاطبان و دادن





اطلاعات بسیار و گوناگون در آن زمینه خاص و توسل جستن به ارزش منطقی بودن مخاطبان بهره گرفت. این روش بر اساس این ایده استوار است که چنانچه به مخاطب اطلاعات درست، موثر و قابل فهم ارائه شود آنها هم به نتیجه گیری درست دست خواهند یافت. مردم دوست دارند که فکر کنند منطقی و منصف هستند و چنانچه در زمینه‌ای استدلال منطقی و قابل قبول ارائه شود، آن را می‌پذیرند. از این تصور مخاطبان نسبت به سازمان، کارشناسان روابط عمومی باید بهره برداری لازم را به عمل آورند. پیامگذار در این طرح باید به نکاتی در خصوص مخاطب توجه کند.

اول اینکه او باید آموزش و هوش مخاطبان را در فهم پیامها ارزیابی کند. فرد باهوش می‌تواند پیام را بگیرد، آن را تفسیر کند و مفاهیمی را از درون آن استخراج کند که افراد کم هوش توان این را ندارند.

مخاطب باهوش در مقام پیام‌های غیر منطقی و ناسالم واکنش نشان داده و ممکن است این عکس العمل باعث کاهش اقناع پذیری او شود. توجه به ساختار پیامها، محتواهایشان و دیدگاه‌های متناقض مخاطب از دیگر نکاتی است که پیام‌گذار نباید برای مخاطبانی که دارای توانایی‌هایی چون هوش و منطقی هستند، از نظر دور بدارد.

این مورد بر این اصل پایه گذاری شده است که چنانچه بخواهیم مخاطبان عقیده و موضع گیری خاصی را بپذیرند باید بدانیم چه انگیزه‌ای وی را وادار به اتخاذ آن موضوع می‌کند و آن عقیده خاص چه نیازی از وی را برآورده می‌کند. به بیانی ساده‌تر، ما نمی‌توانیم کسی را متقاعد کنیم، مگر اینکه به او بفهمانیم پذیرش نگرش جدید نیازی را از او برآورده می‌کند. آنان که دست اندرکار متقاعد سازی دیگران هستند، باید طوری تبلیغ کنند که بر حسب مورد تبلیغ شان یکی از نیازهای اساسی مخاطب را برآورده کند. تبلیغ کنندگان و کسانی که با ارسال پیام‌های تبلیغی سعی در متقاعد کردن مخاطبان دارند باید توجه داشته باشند که نادیده گرفتن این نیازها و انگیزه‌ها و صرفاً توسل به استدلال های علمی و

احساسی، برای آنها موفقیتی به همراه نداشته و پیام آنها چندان تاثیرگذار نخواهد بود (لربینگر، اتو، ۱۳۷۶، صص ۱۲۵ تا ۱۵۰)

#### ۴-۳ تازگی

یکی از فنونی که در اقناع افکار عمومی تاثیر به سزایی دارد بیان مطلب جدیدی می باشد که تاکنون مخاطب نشنیده است از آنجاکه مخاطب در اینباره خالی الذهن می باشد لذا جدای از جذابیت تاثیر به سزایی در اقناع افکار عمومی دارد

امام در جریان جنگ جمل از یارانش برای دعوت مخالفان به قرآن یاری می طلبد و با صراحت اعلام می دارد که اگر کسی قبول کند کشته می شود، این سخن حضرت علاوه بر رواج دادن روحیه شهادت طلبی در راه خداوند و تشویق به اجر اخروی در برابر رشادت دنیوی یک آگاهی ذهنی هم می دهد که کسی دعوت او را بپذیرد شهید می شود که چنین هم شد. پیش بینی این حادثه به حقانیت کلام حضرت و در نتیجه اقناع را حتر افکار عمومی کمک می کند. (مفید، الجمل، ۱۴۱۳ق، ص ۳۳۹).

#### ۴-۴ برانگیختن عواطف و احساسات

حضرت در راستای اقناع افکار عمومی و برانگیختن عواطف و احساسات از روش تشویق و ترغیب استفاده می کردند لذا برای رسیدن به مطلوب علاوه بر اینکه هیچ اجباری به کار نمی گیرد حتی تشویق هم که می کنند به نوعی اقناع غیر مستقیم می باشد.

تهدید و ارباب هم یکی از مهم ترین عواملی است که می تواند موجب بازدارندگی فرد یا گروه از عمل مورد نظر شود تهدید و ارباب دشمن برای خطاب دادن به اصحاب خودی موجب عزت نفس و ترغیب به یاری بیشتر از حق است و برای سپاه مخالف منجر به کوتاه آمدن از مواضع نادرست خود می شود لذا یکی از فنون اقناع افکار عمومی شیوهی ترغیب و ارباب می باشد همانطور که در قرآن هم از این شیوه استفاده شده برای امری ترغیب شده و از







امری برحذر شده البته استدلال هم باید همراه این امر تشویق و ترعیب باشد تا اقتناع صورت گیرد.

امام به کوفیان می‌گوید من عراق را انتخاب کردم زیرا مردم آنجا به حق متمایل‌ترند و این‌که ناکثین کوفه را انتخاب نکردند و به سوی بصره رفتند شاید از همین جهت است، گویا امام به کسی روی آورده که از جانب آن خیالش راحت می‌باشد. (طبری، ۱۳۷۵ش، ج ۴، ص ۴۷۸).

حضرت معاویه را چون لباس کهنه‌ای می‌داند که با دوختن اصلاح نمی‌شود که این استعاره بیانگر آن است که وی در آن سن، پس از استحکام پایه‌های جهل و پابرجا شدن هوای نفس در ارکان بدن و فرسودگی آن، اصلاح پذیر نیست گویا امام باز هم از باب نصیحت به معاویه گوشزد می‌کند که از گمراهی بیرون آید تا به عهد خود وفا کند لکن در ادامه با الفاظی دیگر بیان می‌دارد که تو اصلاح پذیر نیستی. که خود نشان دهنده‌ی این می‌تواند باشد که مخاطب نامه می‌تواند دیگران هم باشند از آنرو که معاویه را که ادعای امیری دارد با تحقیر به جامعه معرفی کند و به نوعی افکار عمومی را در جهت شناخت معاویه متقاعد سازد. (التیمی، ۱۳۸۹ش، ج ۱، ص ۳۹۳؛ ابن‌خلدون، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۶۳۷).

### نتیجه‌گیری

حضرت عناصری را در اقتاع افکار عمومی بکار می‌بردند که در سرتاسر خلافت ایشان و در جنگ‌های جمل، صفین و نهروان نمودار است آنهم عبارت است از خدامحوری، مردم‌داری و دشمن‌شناسی که هر کدام از این در راستای اقتاع افکار عمومی دارای ابزاری هستند که معرفی گردید. شیوه و فنون امیر بیان در متقاعد سازی هم برپایه‌ی تکنیک‌های: تداعی و تلقین، توسل به منطوق و آگاه‌سازی، تازگی و برانگیختن احساسات و عواطف می‌باشد.

هدف حضرت علی (علیه السلام) در اقتاع و متقاعد سازی افکار عمومی؛ ارتقای دینی جامعه و هدایت آنها می‌باشد و در این راستا برخلاف سرداران و دولت مردان شرق و غرب از دروغ، سیاه‌نمایی، اغراق و فریب‌بدور هست.

## منابع

❖ قرآن

❖ نهج البلاغه

۱. ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبه الله، ۱۳۷۷، شرح نهج البلاغه، مصحح محمد ابوالفضل ابراهیم، کتابخانه عمومی آیت الله مرعشی نجفی، قم
۲. ابن اعثم الکوفی، أبو محمد، الفتوح، ۱۴۱۱، تحقیق علی شیری، دارالأضواء، بیروت
۳. ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، ۱۴۰۸، تاریخ ابن خلدون، دارالفکر، بیروت
۴. ابن فارس، احمد بن فارس، ۱۴۰۴، معجم مقاییس اللغة، مکتب الاعلام الاسلامی، قم
۵. ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴، لسان العرب، دار الفکر للطباعة و النشر، بیروت
۶. ابن میثم، میثم بن علی، ۱۳۶۲، شرح نهج البلاغه، دفتر نشرالکتاب، تهران
۷. الیاسی، محمدحسین، ۱۳۸۸، «مبانی نظری و عملی اقناع و شیوهی مجاب سازی»، فصلنامه‌ی مطالعات بسیج، سال دوازدهم، شماره ۴۵
۸. بوتان، کارل و هرلتون، وینسنت، ۱۳۷۸، نظریه‌های روابط عمومی، ترجمه علیرضا دهقان، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه، تهران
۹. التمیمی، النعمان بن محمد، ۱۳۸۹، دعائم الاسلام و ذکر الحلال والحرام والقضایا و الاحکام، تحقیق آصف بن علی اصغرفیضی، دارالمعارف، مصر
۱۰. جعفری، محمد مهدی، ۱۳۸۰، پرتویی از نهج البلاغه، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشار، تهران
۱۱. حکیم آرا، محمدعلی، ۱۳۷۷، «متقاعد سازی، ترغیب و وادار سازی، فرایندی برای تغییر نگرش»، فصلنامه مطالعاتی و تحقیقاتی هنر هشتم، شماره دهم،
۱۲. خمینی، روح الله، ۱۳۶۹، صحیفه نور، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران
۱۳. الدینوری، ابو حنیفه احمد بن داود، ۱۳۶۸، الأخبار الطوال، تحقیق عبد المنعم عامر مراجعه جمال الدین شیال، منشورات الرضی، قم





۱۴. رضی، محمد بن حسین، ۱۴۱۴، نهج البلاغه، مصصح صبحی صالح، هجرت، قم
۱۵. رهبر، محمد تقی، ۱۳۷۱، پژوهشی در تبلیغ، انتشارات سازمان اسلامی، تهران
۱۶. زرین کوب، عبدالحسین، ۱۳۶۹، ارسطو، فن شعر، نشر امیرکبیر، تهران
۱۷. ساروخانی، باقر، ۱۳۸۳، «اقناع غایت ارتباطات»، نشریه علوم اجتماعی، دوره ۳، شماره ۲۳
۱۸. سورینوتانکار، ۱۳۸۱، نظریه‌های ارتباط، ترجمه علیرضادهقان، انتشارات دانشگاه تهران، تهران
۱۹. شرف‌الدین، حسین، ۱۳۸۷، جزوه آموزشی جامعه‌شناسی تبلیغ، دانشکده صدا و سیما، قم
۲۰. شهیدی، سید جعفر، ترجمه نهج البلاغه، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ ۱۴، ۱۳۷۸ ش.
۲۱. طبری، محمد بن جریر، ۱۳۷۵، تاریخ طبری، ترجمه ابو القاسم پاینده، اساطیر، تهران
۲۲. طریحی، فخرالدین بن محمد، ۱۳۷۵، مجمع البحرین، مرتضوی، تهران
۲۳. فیومی، احمد بن محمد، ۱۴۱۴، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر، موسسه دار الهجرة، قم
۲۴. قرشی بنایی، علی اکبر، ۱۴۱۲، قاموس قرآن، دار الکتب الاسلامیه، تهران
۲۵. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷، الکافی، دار الکتب الاسلامیه، تهران
۲۶. کیا، علی اصغر و سعیدی رحمان، ۱۳۸۳، مبانی ارتباط تبلیغ و اقناع، انتشارات روزنامه ایران، چاپ اول، تهران
۲۷. گیل، دیوید و بریجت ادمز، ۱۳۸۴، الفبای ارتباطات. رامین کریمیان و همکاران. مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، تهران

۲۸. لربینگر، اتو، ۱۳۷۶، ارتباطات اقناعی، ترجمه علی رستمی، مرکز تحقیقات و سنجش برنامه ای صدا و سیما، تهران
۲۹. متقی هندی، علی بن حسام الدین، ۱۳۹۷، کنز العمال فی سنن الاقوال والافعال، مصحح صفوه السقا، مکتبه التراث الاسلامی، بیروت
۳۰. محمدی ری شهری، محمد، ۱۳۸۶، با همکاری سید محمد کاظم طباطبایی و سید محمود طباطبایی نژاد، دانشنامه امیر المومنین بر پایه قرآن، حدیث و تاریخ، ترجمه عبدالهادی مسعودی، دار الحدیث، قم
۳۱. مرادی، حجت الله، ۱۳۸۸، از نظریه تا عمل، تهران: نشر ساقی، تهران
۳۲. مصطفوی، حسن، ۱۳۶۸، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران
۳۳. مطهری، مرتضی، ۱۳۶۸، سیری در سیره نبوی، صدرا، تهران
۳۴. مفید، محمد بن محمد، ۱۴۱۳، الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، موسسه آل بیت، قم
۳۵. \_\_\_\_\_، ۱۴۱۳، الجمل و النصره لسید العتره فی حرب البصره، کنگره شیخ مفید، قم
۳۶. المنقری، نصر بن مزاحم، ۱۴۰۴، وقعہ صفین، تحقیق عبد السلام محمد هارون، القاہرہ، المؤسسۃ العربیۃ الحدیثہ، منشورات مکتبۃ المرعشی النجفی، قم
۳۷. میر سיעد قاضی، علی، ۱۳۷۵، «اقناع و تبلیغ»، فصلنامه مطالعاتی و تحقیقاتی هنر هشتم، پیش شماره دوم
۳۸. الیعقوبی، احمد بن ابی یعقوب بن جعفر بن وهب، بی تا، تاریخ الیعقوبی، دار صادر، بیروت

